

## شناسایی و تحلیل بسترهای نهادی قاچاق کالا

خدر فرجی‌راد، احسن صمدزاده، حمیدرضا تقی‌پور،<sup>۳</sup> نادر کوهی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۲۰

از صفحه ۱۰۱ تا ۱۲۸

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال یازدهم،

شماره اول (پیاپی چهل و یکم)، بهار ۱۳۹۷

### چکیده

**مقدمه:** قاچاق کالا همواره برای تمام دوره‌های اقتصادی یک مشکل برای پیشرفت یک اقتصاد سالم بوده است؛ از این‌رو، مبارزه و پیشگیری از قاچاق کالا امری حیاتی می‌باشد. در ایران هر ساله مقادیر بسیار وسیعی از کالاهای خارجی به صورت قاچاق وارد و گروهی از کالاهای باارزش همچون بنزین به صورت قاچاق از کشور خارج می‌شود. در این بین، عوامل نهادی نقش قابل توجهی در پیشگیری و یا تسهیل قاچاق کالا دارند؛ امری که در ایران کمتر به آن پرداخته شده است. لذا پژوهش حاضر تلاش دارد به شناسایی و تحلیل بسترهای نهادی قاچاق کالا بپردازد.

**روش:** برای دستیابی به هدف بالا، در پژوهش حاضر از روش کیفی استفاده شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد نارسائی‌های سازمانی شامل نظارت ضعیف سازمان‌های مسئول در ارتباط با قاچاق کالا، عدم همکاری و هماهنگی سازمان‌های مسئول باهم و نبود یک پایگاه مشترک و یکپارچه آمار و اطلاعات مرتبط با قاچاق کالا برای کلیه سازمان‌ها و نارسائی‌های قانونی شامل ضعف در ضمانت اجرایی قوانین و مقررات مرتبط با قاچاق کالا و وجود خلأهای قانونی در خصوص اختیارات و وظایف سازمان‌های مسئول، مهم‌ترین نارسائی‌هایی نهادی قاچاق کالا در کشور هستند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان داد قوانین نتوانسته‌اند به عنوان بستر ساز برنامه‌ها و اقدامات مداخله‌گرانه در مبارزه با قاچاق عمل نمایند. همچنین اگرچه انتظار می‌رود قوانین بتوانند به عنوان تسهیل‌گر عمل نمایند، اما در واقعیت چنین مهمی تحقق نیافته است. همچنین نتایج نشان داد که تقسیم وظیفه مبارزه با قاچاق کالا بین سازمان‌ها و نهادهای مختلف، فقدان ساز و کار هماهنگ‌سازی بین نهادها و سازمان‌های مسئول مبارزه با قاچاق کالا، مشارکت ندادن جامعه و بخش خصوصی که به نحوی می‌تواند در مبارزه با قاچاق کالا تأثیرگذار باشند، نبود برنامه یکپارچه و هماهنگ در مبارزه با قاچاق کالا، تعیین نهادهای متعدد برای برخی امور، عدم توجه کافی به تقسیم و امکانات برخی نهادها، تعدد مراجع رسیدگی در طول یکدیگر از جمله دلایل اساسی شکل‌گیری مشکلات و مسائل سازمانی برای مبارزه با قاچاق کالا هستند.

**کلیدواژه‌ها:** قاچاق کالا، نهادگرایی، قوانین و مقررات، سازمان.

۱- عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی (نویسنده مسئول): Farajirad61@gmail.com

۲- عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی.

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد.

۴- دانش‌آموخته کارشناسی حقوق

## مقدمه

در دنیای امروز، افزایش مبادلات اقتصادی و تجاری از نشانه‌های شتاب اقتصاد جهانی در مسیر جهانی‌شدن است. از این حیث توسعه صنعت حمل‌ونقل برون‌مرزی و گسترش مبادلات مرزی به جهت صرفه‌های اقتصادی زیادی که به ارمغان می‌آورد، حائز اهمیت فراوان است (احدنژاد و قادری، ۱۳۹۲: ۴۸)؛ اما این فعالیت جهانی همواره در معرض آسیب‌های جدی قرار دارد. یکی از آسیب‌های جدی در امر تجارت خارجی، قاچاق کالا می‌باشد که هر ساله سهم چشمگیری از فعالیت‌های اقتصادی کشور را دربرمی‌گیرد. قاچاق در مقیاس وسیع می‌تواند بهینه‌سازی نظام تولید، توزیع و مصرف را دچار شکست نماید و سازوکارهای مالی و پولی نظام اقتصادی را ناکارآمد و دامنه آن را به سیاست‌های بازرگانی و موازنه تجاری توسعه دهد. همچنین ورود کالاهای غیرضروری و غیرمؤثر بر فشرده‌گی رقابت صنایع ملی در بازار داخلی اثر منفی دارد (مقدسی، ۱۳۸۰: ۱۲۱-۱۲۰). به عنوان مثال، بخش‌های مهمی از توازن ارزش ریال در برابر ارز در بازار غیررسمی وابسته به قاچاق است. بازرگانی غیرقانونی به پول رسمی کشور فشار آورده و اثرات توری به دنبال دارد (وطن‌پور، ۱۳۸۷: ۸). همچنین وجود تقاضا برای کالاهای مصرفی لوکس و توزیع نامتعادل درآمدها در جامعه که سبب ایجاد تقاضا برای این کالاها می‌شود، در کنار ضعف بنیادهای اقتصادی برای جلب سرمایه‌گذاری، درآمد اضافی افراد و نبود راه‌های قانونی برای تجارت آزاد دست در دست هم داده و به گسترش شبکه‌های قاچاق کالا منجر شده است (باقرزاده، ۱۳۸۲: ۶۰).

در این میان، یکی از گرفتاری‌های بزرگ ایران قاچاق کالا است که از میان بردن یا دست کم کاستن از آن، نیاز به یک عزم ملی دارد (بافنده‌ایمان‌دوست، ۱۳۹۰: ۲۷۶). این‌گونه مبادلات به رغم غیررسمی و محلی بودن آن دارای نقشی پراهمیت در مبادلات میان کشورهای همسایه بوده و باعث بهبود زندگی ساکنان نقاط مرزی می‌شود؛ از این‌رو، برنامه‌ای کردن چنین مبادلات و جریان‌هایی در نوع خود به توسعه همکاری‌های متقابل اقتصادی، داشتن قوانین کارآمد و شفاف، داشتن دستگاه اجرایی کارآمد و بالأخره بهبود امنیت در این مناطق و بهبود زیرساخت‌ها و خدمات مورد نیاز مناطق قاچاق خیز را به همراه می‌آورد (احدنژاد و قادری، ۱۳۹۲: ۴۸).

در همین راستا، با توجه به حجم زیاد قاچاق کالا در کشور و آسیب‌های فراوان و دامنه‌داری که این پدیده از خود برجا گذاشته است و با توجه به تأکید و توجه مسئولان عالی‌رتبه کشور بر حل این معضل اقتصادی و با عنایت به اینکه برنامه‌ها و سیاست‌های جدیدی در حوزه مبارزه با قاچاق کالا در عرصه‌های مختلف اقتصادی، گمرکی، تقنینی و اجرایی از جانب مسئولان امر با همکاری ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز اتخاذ شده است، به نظر می‌رسد که لزوم وجود مباحث آسیب‌شناسانه در زمینه قوانین و مقررات و همچنین وظایف سازمان‌های مبارزه‌کننده در این زمینه بر کسی پوشیده نیست. البته باید توجه داشت زمانی که بحث از آسیب‌شناسی سیاست‌ها و برنامه‌های مبارزه با قاچاق می‌شود، منظور بررسی و عیب‌یابی این سیاست‌ها و برنامه‌ها روی کاغذ و درون کتابخانه نیست، بلکه آسیب‌شناسی به معنای واقعی زمانی محقق می‌شود که بازخورد و برآیند سیاست‌ها و برنامه‌های تدوین شده را در مقام اجرا به بوته نقد بکشیم؛ چرا که تدوین و طراحی سیاست‌های مترقی و مدرن در تمام زمینه‌ها کار چندان دشواری به نظر نمی‌رسد، بلکه این تحقق و عملی ساختن اهداف و سیاست‌ها است که مستلزم برنامه‌های مستمر است.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، به نظر می‌رسد به چالش کشیدن سیاست‌ها و برنامه‌های مبارزه با قاچاق کالا بدون نگاه عمل‌گرایانه و بدون توجه به قابلیت تحقق و پیاده‌سازی این سیاست‌ها امری گزاف و خالی از فایده مورد انتظار چنین پژوهش‌هایی است. بنابراین در این نوشتار با رویکرد تحلیلی به شناسایی مسائل و نارسائی‌های قانونی و سازمان‌های مبارزه با قاچاق پرداخته شده و سعی بر آن بوده با رویکردی عمل‌گرایانه و کاربردی به آسیب‌هایی که در این حوزه موجود است، پرداخته شود تا از این طریق بتوان به رفع و اصلاح نواقص و کاستی‌های موجود در زمینه مبارزه با قاچاق کالا اقدام نمود. بنابراین، مقاله حاضر به دنبال پاسخ به سؤالات زیر می‌باشد:

- مهم‌ترین خلاءها و نارسائی‌های قانونی مبارزه با قاچاق کالا کدامند؟
- مهم‌ترین خلاءها و نارسائی‌های سازمانی مبارزه با قاچاق کالا کدامند؟



## پیشینه و چارچوب نظری

### پیشینه

ولیدی (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان «نگاهی به خلاءهای قانونی و کاستی‌های کاربردی قوانین راجع به قاچاق کالا و ارز» به این نتیجه رسیده است که قوانین و مقررات سازوکار مناسبی برای مقابله با قاچاق کالا و ارز نیستند و اجرای آن تأثیر چندانی در کاهش روند افزایش جرائم قاچاق کالا و ارز به همراه نداشته است.

مرادی‌قادی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش و نگرش دستگاه قضایی، تعزیرات حکومتی و گمرک راجع به جرایم قاچاق کالا و ارز در سطح عرضه» تلاش داشته تا به اجمال به بررسی نقش مراجع و محاکم رسیدگی‌کننده به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز در سطح عرضه، چگونگی برخورد، نگرش متفاوت آنان نسبت به شمول پدیده قاچاق کالا و ارز، آثار و تبعات چندگانگی موجود و نتایج حاصل از آن با تأکید بر هم‌سویی این نهادها بپردازد.

نوری (۱۳۸۲)، نیز در مقاله‌ای با عنوان «گسترش قاچاق در بستر اقتصاد نابسامان و سیاست جنایی مقابله با آن بر مبنای تجربیات عملی و تحقیقات علمی» با اعتقاد به اولویت سازوکارهای نرم‌افزاری، به کارشناسی عوامل مؤثر بر شیوع قاچاق و آثار زیانبار ارتکاب آن در سیستم اقتصادی و اجتماعی مبادرت ورزیده است. در این مقاله ابتدا به معرفی عوامل داخلی و خارجی نابسامانی‌های اقتصادی، اتخاذ نکردن سیاست‌های اقتصادی متعادل و اصولی و اعمال سیاست‌های درون‌گرا، عامل مهم افزایش حجم قاچاق در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران تلقی شده است و به‌طور اجمالی راهبردهای کنترل فیزیکی و پیشگیری به عنوان روش‌های عملیاتی کاربردی برای بالابردن ریسک قاچاق پیشنهاد شده است. بر اساس نتایج این مقاله حل مشکل قاچاق مستلزم آن است که ضمن بازنگری در قوانین و مقررات جاری، با رفع مشکلات و نابسامانی‌های موجود در صنعت و کشاورزی، به اصلاح نگرش نسبت به تولید داخلی و محصولات خارجی، تغییر فرهنگ و زمینه‌های ذهنی غلط نسبت به برتری‌های کالای خارجی پرداخته شود و با ایجاد نظام تعرفه‌ای مناسب و در نهایت، مبارزه قاطع و قانونمند مراجع رسیدگی‌کننده، زمینه‌های پیدایش و گسترش پدیده قاچاق حذف گردد.

حسینیان و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل سازمانی مؤثر بر عملکرد کارکنان مبارزه با قاچاق کالای فرماندهی انتظامی استان هرمزگان» به این نتیجه رسیده‌اند که ساختار سازمانی، امکانات و تجهیزات سازمانی، حمایت سازمانی، مهارت شغلی، سبک رهبری‌آمرانه از جمله عوامل سازمانی تأثیرگذار بر مبارزه با قاچاق کالا در استان هرمزگان هستند. سرانجام اینکه، سبزواری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «عمده‌ترین علل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی پدیده قاچاق» که به روش تحلیل اسنادی انجام گرفته، به بررسی عمده‌ترین زمینه‌های مؤثر بر ناکارآمدی نظام‌های مقابله و پیامدهای قاچاق در ابعاد فوق پرداخته و به این نتیجه رسیده است که علل ظهور پدیده قاچاق شامل فرار از پرداخت عوارض گمرکی، پول‌شویی، بیکاری، سوءمدیریت و انحصارها، مصرف کالاهای خارجی، تبلیغات و فساد اداری و بوروکراسی می‌باشد. همچنین، عمده‌ترین زمینه‌های ناکارآمدی نظام‌های مقابله با قاچاق شامل جذب شدید بیکاران به این حوزه، تبدیل شدن قاچاق به یک فرهنگ، الگوی مصرف تجملی، فقدان نگاه ضدارزشی به قاچاق، مصرف‌گرایی داخلی و مصرف کالای لوکس خارجی می‌باشند. علاوه بر آن، عمده‌ترین پیامدهای قاچاق مشتمل بر کاهش سرمایه‌گذاری مولد، تخریب فرصت‌های شغلی، اقتصاد زیرزمینی، تهدید امنیت ملی، رانت‌خواری، قانون‌گریزی، فرهنگ تجمل و مصرف‌گرایی می‌باشند.

مرور برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص موضوع این مقاله نشان می‌دهد که در خصوص مسائل نهادی و سازمانی پژوهش‌های اندکی انجام شده است. این درحالی است که داشتن قوانین و مقررات شفاف و کارآمد و حذف خلاءهای قانونی و همچنین تقسیم کار بین کلیه دستگاه‌های مربوطه در کشور در زمره مسائل اصلی قاچاق کالا است که در خصوص آن تحقیقی صورت نگرفته است. بنابراین، مقاله حاضر در پی شناسایی و تحلیل خلاءها و نارسائی‌های قانونی و سازمانی مبارزه با قاچاق کالا است.

### چارچوب نظری

**الف) عوامل مؤثر بر قاچاق کالا از دیدگاه نظری:** برای تحلیل علل پیدایش و گسترش پدیده قاچاق کالا و عوامل مؤثر بر آن، دسته‌بندی‌های مختلفی مطرح شده است که مهم‌ترین این دسته‌بندی شامل موارد زیر می‌باشد:



الف-۱) بار مالیات و امنیت اجتماعی<sup>۱</sup> در مطالعات مختلف، بار مالیات و امنیت اجتماعی را به عنوان یکی از عوامل بالقوه در پیدایش قاچاق کالا مطرح کرده‌اند. در این رویکرد، قاچاق کالا یکی از راه‌های گریز افراد از پرداخت مالیات و سهم امنیت اجتماعی است. تفاوت قابل توجه میان هزینه کل نیروی کار در اقتصاد رسمی و دریافتی آنها پس از کسر مالیات‌ها منجر به ایجاد انگیزه در میان نیروی کار برای خودداری از پرداخت این بار و حرکت به سمت اقتصاد غیررسمی از جمله قاچاق کالا شده است. بر این اساس، تفاوت مذکور به‌طور مستقیم با بار مالیاتی و پرداختی‌های امنیت اجتماعی در ارتباط است.

الف-۲) شدت قوانین و مقررات<sup>۲</sup>: افزایش در شدت قوانین و مقررات (به عنوان مثال، تعداد قوانین و مراحل دریافت مجوز) دیگر عامل مهمی است که آزادی اشخاص در اقتصاد رسمی را کاهش می‌دهد. مقررات بازار کار، موانع تجارت و محدودیت‌های نیروی کار خارجی از عمده‌ترین موارد در این حوزه است. جانسن و همکاران (۱۹۹۸) شواهدی تجربی را مبنی بر تأثیر قوانین و مقررات بر قاچاق کالا در قالبی تئوریک بیان کرده‌اند که در مطالعات بعدی به‌طور قابل توجهی مورد استفاده قرار گرفته است. به اعتقاد آنان، قوانین و مقررات منجر به افزایش هزینه نیروی کار در اقتصاد رسمی می‌شود؛ اما از آنجایی که بخش عمده‌ای از این هزینه بر دوش خود نیروی کار تحمیل می‌شود، این مسأله نیز انگیزه دیگری برای ورود افراد به اقتصاد غیررسمی فراهم می‌کند. مطالب بالا بر این موضوع دلالت دارند که دولت‌ها باید توجه بیشتر خود را بر بهبود کیفی قوانین و مقررات به جای افزایش کمی آنها معطوف نمایند.

الف-۳) خدمات بخش عمومی<sup>۳</sup>: افزایش حجم قاچاق کالا می‌تواند منجر به کاهش درآمدهای دولت و در نتیجه، کاهش کیفیت و کمیت ارائه خدمات بخش عمومی شود. این زنجیره در نهایت می‌تواند منجر به افزایش بار مالیاتی برای بنگاه‌ها و افراد فعال در اقتصاد رسمی شود که این نیز سرانجام منجر به انگیزه‌ای برای ورود نیروی کار به اقتصاد غیررسمی خواهد شد.

۱- Tax and Social Security Contribution Burdens

۲- Intensity of Regulations

۳- Public Sector Services

الف-۴) دیدگاه اخلاقی عموم مردم در مورد اقتصاد پنهان! آگاهی عموم مردم یک جامعه در خصوص اقتصاد پنهان و واکنش اخلاقی آنها به این پدیده یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند ما را به پاسخ این سؤال برساند که مردم تحت چه شرایطی تصمیم به ورود به اقتصاد پنهان می‌گیرند. مطالعات تجربی متعددی نیز به بررسی تأثیر دیدگاه اخلاقی مردم بر اندازه اقتصاد پنهان پرداخته‌اند؛ به عنوان مثال، برخی نتایج برای کشور آلمان در سال ۲۰۰۳ به طور کاملاً شفاف نشان داده است که مردم نسبت به کار در اقتصاد پنهان هیچ‌گونه احساس بدی ندارند (اشنایدر، ۲۰۰۵).

در مطالعاتی دیگر، قاچاق کالا را پدیده‌ای می‌دانند که با توجه به شرایط خاص یک کشور با عوامل متعددی ارتباط دارد که این عوامل به سه دسته کلی قابل تقسیم هستند: عوامل ساختاری: این عوامل عبارت‌اند از کلیه عوامل غیرانسانی مانند قوانین و مقررات سیستم‌ها و روش‌های انجام امور، فناوری، سیاست‌ها و راهبردها و نظایر آنها که نامناسب بودن این عوامل به امر قاچاق منجر می‌شود. از مصادیق این عوامل می‌توان به نبود هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی، تداخل وظایف دستگاه‌های اجرایی، شفاف نبودن قوانین، تعدد قوانین و مقررات، پاشخکو نبودن سازمان‌ها، نظارت ضعیف در امور اجرایی و... اشاره کرد.

عوامل رفتاری: این عوامل مربوط است به نیروی انسانی که مبادرت به قاچاق کالا می‌کنند و یا کسانی که با این امر درگیر هستند. بنابراین این عوامل خود به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول، قاچاقچیان دارای روحیه قانون‌شکنی و قانون‌گریزی، تمایل به کسب درآمد در زمان کمتر، روحیه خطرپذیری بالا و عدم آگاهی از اثرات قاچاق در اقتصاد کشور را شامل می‌شود. گروه دوم، خصوصیات و عوامل رفتاری مربوط به کارکنان سازمان‌های متولی و ذی‌ربط است که مواردی مانند نبود انگیزه کاری و احساس مسئولیت کارکنان، شایستگی نداشتن بعضی از سرپرستان و مدیران، عدم ارتقای شغلی بر اساس نظام شایسته‌سالاری و توانمندی کارمندان و نظایر آنها را شامل می‌شود.

۱- Public Opinion about the Shadow Economy

۲- Schneider



عوامل زمینه‌ای: این عوامل عبارت‌اند از کلیه عواملی که خارج از حیطه اختیارات هر یک از سازمان‌های ذیربط بوده و زمینه‌ساز بروز عوامل ساختاری و رفتاری هستند. از جمله نرخ بالای بیکاری و کمبود امکانات و زیرساخت‌های اساسی جهت تولید و افزایش اشتغال و نبود امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری در استان‌های مرزی، درآمد پایین مردم و نابرابری اجتماعی و فقر عمومی در مناطق مرزی، گستردگی مرزهای آبی و خاکی و کنترل ناکافی مرزها، وجود تفاوت قیمت در دو سوی مرزها و فضای مناسب قاچاق در کشورهای همسایه، حاکمیت فرهنگ دلالی و واسطه‌گری، کیفیت نامطلوب کالاهای تولید داخلی در مقایسه با کالاهای قاچاق وارداتی و حاکمیت فرهنگ مصرفی. بدیهی است اگر بستر و شرایط لازم جهت ایجاد قاچاق فراهم نشود، بنابراین، چنین مسأله‌ای در حداقل ممکن خواهد بود. بر این اساس، تا بستر مناسب برای تجارت سالم و قانونمند فراهم نشود، زمینه رشد قاچاق کماکان فراهم خواهد بود (آقازاده، ۱۳۸۵: ۲۷-۲۶).

در مطالعات دیگر به‌طور خاص بر عامل مرز به عنوان یکی از عوامل اصلی و مهم در پیدایش پدیده قاچاق کالا متمرکز شده‌اند. آنان بر این باورند که، اصولاً کالاهای قاچاق از مناطق مرزی وارد می‌شوند و سپس در تمام کشور توزیع می‌شود. لذا مرزها از این لحاظ دارای اهمیت بسیار زیادی هستند. مناطق مرزی، از نقاط حساس و استراتژیک کشور به شمار می‌روند. طبیعت منزوی مناطق مرزی، به خصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی، پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی، زمینه‌ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌ها بوده است. ناتوانی‌های بالقوه در تولید، فقدان اشتغال، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، عمده‌ترین مشخصه اقتصادی-اجتماعی این مناطق در بسیاری از نقاط جهان و از جمله ایران است که زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون مهاجرت، قاچاق کالا، شورش و ناامنی در این مناطق فراهم آورده است.



جدول ۱: عوامل عام قاچاق کالا

عوامل	
عوامل زمینهای	<ul style="list-style-type: none"> <li>• طبیعت منزوی مناطق مرزی به خصوص در مناطق کوهستانی و بیابانی</li> <li>• فقدان اشتغال کافی در مناطق مرزی، نازل بودن درآمد ساکنان مناطق مرزی و عدم تأمین نیازهای اولیه ساکنان مناطق مرزی</li> <li>• نرخ بالای بیکاری و کمبود امکانات و زیرساخت‌های اساسی جهت تولید و افزایش اشتغال</li> <li>• نبود امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری در استان‌های مرزی</li> <li>• درآمد پایین مردم و نابرابری اجتماعی و فقر عمومی در مناطق مرزی</li> <li>• گسترده‌گی مرزهای آبی و خاکی و کنترل ناکافی مرزها</li> <li>• وجود تفاوت قیمت در دو سوی مرزها و فضای مناسب قاچاق در کشورهای همسایه</li> <li>• حاکمیت فرهنگ دلالی و واسطه‌گری</li> <li>• کیفیت نامطلوب کالاهای تولید داخل در مقایسه با کالاهای قاچاق وارداتی</li> <li>• حاکمیت فرهنگ مصرفی</li> </ul>
عوامل ساختاری	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نامناسب بودن قوانین و مقررات سیستم‌ها و روش‌های انجام امور</li> <li>• نامناسب بودن فناوری</li> <li>• نامناسب بودن راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌ها</li> </ul>
عوامل رفتاری	<ul style="list-style-type: none"> <li>• عوامل رفتاری قاچاقچیان (روحیه قانون‌شکنی و قانون‌گریزی، تمایل به کسب درآمد در زمان کمتر، روحیه خطرپذیری بالا و عدم آگاهی از اثرات قاچاق در اقتصاد کشور)</li> <li>• عوامل رفتاری نیروهای متولی مبارزه با قاچاق (نبود انگیزه کاری و احساس مسئولیت کارکنان، شایستگی نداشتن بعضی از سرپرستان و مدیران، عدم ارتقای شغلی بر اساس نظام شایسته‌سالاری و توانمندی کارمندان)</li> </ul>

ب) عوامل نهادی قاچاق کالا: به‌طور کلی، مطالعات مختلفی که در خصوص عوامل

نهادی بحث نموده‌اند این عوامل را در دو دسته از عوامل مرتبط با قوانین و مقررات و عوامل سازمانی به شرح زیر طبقه‌بندی نموده‌اند:

ب-۱) بسترها و ابزارهای قانونی و مقرراتی: از جمله آسیب‌شناسی تقنینی در هر جامعه را می‌توان تراکم (تورم) تقنینی، تعدد مراجع قانون‌گذاری، وضع قوانین هزینه‌ساز و غیراستاندارد از قبیل قوانین متروک، قوانین متعارض و یا قوانین زاید برشمرد. خلاء قوانین مفید و وجود قوانین مخرب و هزینه‌ساز، نظام بازار اقتصادی و بازار غیراقتصادی را متأثر کرده و باعث امنیت‌ریایی می‌گردد (الماسی و حبیبی، ۱۳۹۰: ۶). در این راستا، برخی از اصول قانون مناسب شامل موارد زیر هستند:



کارآمدی قانون: کارآمدی باعث پیشینه‌سازی در آثار قوانین می‌شود. قانون یک هویت هدف‌دار است. بنابراین توسعه‌مندی جامعه و افزایش سطح رفاه اجتماعی در گرو قانون خوب و با کیفیت می‌باشد. تولید کمتر قانون، مقررات‌زدایی و کوچک‌سازی تقنینی از جمله مصادیق کیفیت قانون می‌باشند. علاوه بر آن، قانون کارآمد حالت پویایی و جریان‌سازی داشته و از طریق ساختارهای تأسیسی خود، فرصت‌هایی را به‌وجود می‌آورد که به حداکثرسازی ثروت و رفاه اجتماعی کمک می‌نماید (وکیلیان، ۱۳۹۰). باید اذعان داشت مفهوم کارآمدی تقنینی نه به معنی استخدام شده توسط مکتب اقتصادی نیوکلاسیک (ارتدوکس‌ها) اراده شده است که در آن مکتب کارآمدی را معادل هزینه-فایده صرف تلقی کرده و عدالت را نتیجه آن می‌دانند. مراد از کارآمدی، بهینه‌گرایی در رفتارهای اجتماعی و رایبه الگوی‌های صحیح تقنینی می‌باشد. با این دیدگاه، کارآمدی از عناصر اصلی عدالت به‌شمار می‌آید و عدالت ناکارآمد ضد خود را تشکیل می‌دهد. بدیهی است که عناصر کارآمدی قانون در دو بستر کلی قابل عرضه می‌باشد. بستر نخست، عبارت است از آمرانه بودن قانون، الزامی بودن، عام‌الشمول بودن و ضمانت معقول داشتن است که در حدکارآمدی اولیه (حقوقی) تفسیر می‌گردد. بستر دوم، معطوف به توجیه اقتصادی و اجتماعی بودن قانون، پیشرو بودن، شفافیت قانون و سلامت قانون دارد که به حداکثرسازی توان قانونی (کارآمدی تکمیلی) منجر می‌شود.

پیشرو بودن قانون: شفافیت قانونی باعث ارتقای کیفیت قانونی می‌شود. زمانی که این عناصر با رویکرد کارکردگرا و پیشرو بودن درهم آمیخته می‌شود که قائل به نظریه اقتصادی این زمان - این قانون باشیم. نظریه اخیر در مقام انتظار از قانون‌گذار جهت پیش‌بینی تحولات سال‌ها و دهه‌های آتی به منظور تدوین قوانین توسعه‌گرا و پیشرو است. انطباق‌پذیری فعلی قانون از یک طرف و انطباق‌پذیری بعدی (آتی) قانون از طرف دیگر، ناشی از اصل پیشرو بودن قوانین تولید شده می‌باشد. پیشرو بودن قانون عطف به نگرش قانون‌نویسان به دور از گرایش‌ها و ایدئولوژی‌های خاص و همچنین تأکید بر کارکردگرا بودن آن است (عطایی، ۱۳۸۹).

قابلیت اجرا: قانون باید قوه جاذبه و استعداد تأثیرگذاری داشته باشد. چه‌بسا قوانین بدی که به علت هزینه‌ساز بودن، کهنه بودن، تورم داشتن، متناقض بودن و علل دیگر، باعث ایجاد دافعه شده و متروک یا مطرود مانده‌اند. قانون انجام‌شدنی قانونی است که

متناسب با وضعیت گروه هدف بوده و در توان اجراکنندگان آن باشد. بنابراین قانونی که تکلیف مالایطلاق را ایجاد نماید، مؤید عدم مطالعه کافی در مرحله نیازشناسی تقنینی و عدم ارزیابی عقلایی از آثاری که به همراه دارد، شده است. قانون انجام‌نشده به لحاظ حقوقی دچار ترک (نسخ اجتماعی)، اصلاح و یا حذف قانونی شده و به‌طور کلی، هزینه‌های زیادی را بر دوش جامعه تحمیل می‌نماید. به گفته ژان ژاک روسو، قانون‌گذار فرزانه قبل از تدوین قانون بررسی می‌کند، آیا ملت تاب تحمل را دارد (راسخ، ۱۳۸۵: ۳۴).

شناسنامه‌دار بودن قانون: شناسنامه‌دار نمودن قوانین دارای دو معنی با توجه اقتصاد حقوق است؛ معنی نخست، کدگذاری قوانین تولید شده است و معنی دوم، هماهنگی و ارتباط‌گزینی قوانین با قوانین مشابه در یک مجموعه قوانین جامع می‌باشد. شناسنامه‌دار نمودن قوانین دو اثر اقتصادی مهم نیز به همراه دارد؛ اثر اولیه، مواجهه با استفاده حداکثری از استعداد (پتانسیل) قانون است. اثر ثانویه نیز کنترل آثار خارجی (منفی) قوانین می‌باشد؛ به عنوان مثال، چنانچه کلیه قوانین و مقررات وکالت یا پزشکی و یا مهندسی در یک مجموعه گردآوری و طبقه‌بندی شود و مجموعه قوانین وکالت، مجموعه قوانین پزشکی و... به‌وجود آید، بسیاری از مشکلات عملی مرتفع خواهد شد. هماهنگی قانونی نیز دو معنی است؛ ابتدا، هماهنگی درونی و بعد هماهنگی بیرون. در هماهنگی درونی به‌دنبال انضباط و ارتباط عقلایی بین مواد قانون و تبصره‌های ذیل مواد قانون واحد هستیم (کریمی، ۱۳۸۶: ۸۷). بنابراین به‌طور کلی، مهم‌ترین شاخص‌هایی که می‌توان از ساختار حقوقی قوانین و مقررات کارآمد که در بالا به‌طور کامل مطرح شد، استخراج کرد عبارت‌اند از:

- شفاف و روشن بودن قوانین و مقررات
- عدم تعدد قوانین و مقررات
- عدم تغییرات مکرر قوانین و مقررات
- داشتن ضمانت اجرایی قوانین و مقررات
- تناسب داشتن قوانین و مقررات
- مشخص بودن قوانین و مقررات مرتبط با وظایف سازمان‌ها



• اجرای صحیح قوانین و مقررات

• درک روشن و برداست واحد از قوانین و مقررات

ب-۲) بسترها و ابزارهای سازمانی و تشکیلاتی: در مباحث و ادبیات موجود در ارتباط با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه در چند دهه اخیر، کمتر منبعی را می‌توان پیدا نمود که محیط سازمانی مطلوب مورد بحث قرار نگرفته باشد که در این خصوص رویکرد حکمروایی خوب به عنوان یکی از رویکردهای اصلی مورد تأکید قرار گرفته است؛ اما حکمروایی چیست و حکمروایی خوب کدام است؟ در ارتباط با حکمروایی خوب نیز اتفاق نظر عمومی در مورد اینکه حکمروایی خوب چه شرایطی را در بر دارد، وجود ندارد. برای مثال، کتاب سفید که اتحادیه اروپا به منظور تشریح فرایندهای حکمروایی در کشورهای عضو آن اتحادیه منتشر کرده است، برای حکمروایی خوب پنج اصل شامل باز بودن،<sup>۲</sup> مشارکت،<sup>۳</sup> پاسخگویی،<sup>۴</sup> کارآمدی<sup>۵</sup> و همبستگی<sup>۶</sup> را بر شمرده است (ایوانس<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۲). با این حال، عمده منابعی که در ارتباط با حکمروایی خوب بحث کرده‌اند، با ارجاع به سازمان ملل، هشت اصل را برای آن بر شمرده‌اند ([www.unescape.org](http://www.unescape.org)) که در ادامه توضیحات آن ارائه می‌شود.

مشارکت: مشارکت از اجزاء کلیدی حکمروایی خوب می‌باشد. مشارکت می‌تواند هم مستقیم و هم غیرمستقیم (یعنی به واسطه نهادهای قانونی میانه و یا نهادی انتخابی) صورت گیرد. شاخص‌های d که در سطوح سازمانی برای این بُعد از مدل حکمرانی خوب ارایه می‌شود عبارت‌اند از: مشارکت دادن بخش خصوصی، مشارکت دادن ساکنان محلی در برنامه‌ها و تصمیمات.

۱- Good Governance

۲- Openness

۳- Participation

۴- Accountability

۵- Effectiveness

۶- Coherence

۷- Evans

حاکمیت قانون! حکم‌روایی خوب نیازمند چارچوب‌های عادلانه و منصفانه‌ای است که صادقانه و بی‌طرفانه اجرا شوند. اجرای بی‌طرفانه قوانین نیز مستلزم سیستم قضایی مستقل و نیروی پلیس بی‌طرف و به دور از فساد است. براساس رویکرد حکم‌روایی خوب، حاکمیت قانون باعث قانونمندی در تصمیم‌گیری می‌شود و قانونمندی در تصمیم‌گیری خود مستلزم قوانین کارآمد، وجود چارچوب‌های قانونی عادلانه برای تصمیم‌گیری، عدم مداخله افراد غیرمسئول در تصمیم‌گیری‌ها، آگاهی شهروندان از قوانین و احترام ذی‌نفعان مختلف به قانون است. شاخص‌های که در سطوح سازمانی برای این بعد از مدل حکمرانی خوب ارائه می‌شود عبارت‌اند از: الزام قانونی سازمان‌ها و نهادهای مسئول همکاری و هماهنگی باهم.

شفافیت:<sup>۲</sup> در نظریه حکم‌روایی خوب، شفافیت به این معناست که اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها با شیوه‌های قانونی صورت گرفته و از چارچوب‌های قانونی و مقرراتی تبعیت می‌کند. همچنین شفافیت به معنای دسترسی آزادانه و مستقیم افراد به اطلاعات است؛ به‌ویژه افرادی که اجرای تصمیمات بر آنها اثرگذار است. علاوه بر آن، شفافیت به معنای آن است که اطلاعات ارائه شده به آسانی قابل فهم بوده و توسط رسانه‌ها پخش می‌شود. براساس نظریه حکم‌روایی، شفافیت در مقابل پنهان‌کاری قرار دارد. از دیدگاه حکم‌روایی خوب، پنهان‌کاری احتمال بروز فساد را افزایش می‌دهد در حالی که شفافیت مانع اصلی شکل‌گیری فساد است. شاخص‌هایی که در سطوح سازمانی برای این بعد از مدل حکمرانی خوب ارائه می‌شود عبارت‌اند از: شفاف بودن وظایف سازمان‌های مسئول، وجود طرح و برنامه مشخص، وجود طرح‌ها و برنامه‌های متناسب، وجود یک پایگاه مشترک و یکپارچه آمار و اطلاعات برای سازمان‌ها.

مسئولیت‌پذیری:<sup>۳</sup> حکم‌روایی خوب نیازمند این امر است که نهادها و فرایندهای تصمیم‌گیری باید به گونه‌ای عمل کنند که همه ذی‌نفعان را در یک چارچوب زمانی منطقی و معقول در بر بگیرند. علاوه بر آن، در نظریه حکم‌روایی خوب، مسئولیت‌پذیری به معنای جوابگو بودن تصمیم‌گیران در مقابل تصمیم‌هایشان است. شاخص‌هایی که در

۱- Rule of Law

۲- Transparency

۳- Responsiveness



سطوح سازمانی برای این بعد از مدل حکمرانی خوب ارایه می‌شود عبارت‌اند از: برنامه‌پذیر بودن سازمان‌ها، نظارت قوی بر سازمان‌ها.

اجماع (اتفاق نظر) گرایی<sup>۱</sup> براساس نظریه حکم‌روایی خوب، در یک جامعه بازیگران و ذی‌نفعان متعددی وجود دارد که دارای دیدگاه‌ها، خواسته‌ها و نظرات مختلفی هستند. بنابراین دستیابی به اجماع گسترده که علائق و منافع متفاوت جامعه را در برداشته باشد و بیشترین نفع را به جامعه برساند، از جمله ضروریات اساسی می‌باشد. برای دستیابی به اجماع، وجود ارتباط، گفتگو و تعامل مداوم میان عوامل حکومتی، خصوصی، مردمی و رسانه‌ها لازم و ضروری است. همچنین دستیابی به اجماع مستلزم چشم‌اندازی گسترده و طولانی‌مدت برای توسعه پایدار انسانی و دستیابی به اهداف چنین توسعه‌ای است؛ این امر تنها در صورتی می‌تواند تحقق یابد که درک درستی از محتوای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه وجود داشته باشد. شاخص‌هایی که در سطوح سازمانی برای این بعد از مدل حکمرانی خوب ارایه می‌شود عبارت‌اند از: همکاری و هماهنگی سازمان‌های مسئول با هم، وجود منافع مشترک در بین سازمان‌ها و نهادهای مسئول، داشتن برنامه کاری مشخص بین سازمان‌ها.

برابری و همه‌شمولی<sup>۲</sup> در چارچوب نظریه حکم‌روایی خوب، رفاه و بهزیستی یک جامعه در صورتی فراهم می‌شود که همه اعضای آن این احساس را داشته باشند که آنها دارای منافعی بوده و خارج از مسیرها و جریانات اصلی جامعه نیستند. این امر مستلزم در بر گرفتن همه گروه‌ها و به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر است؛ شمولیتی که بتواند فرصت‌های لازم را برای بهبود و حفظ رفاه و بهزیستی آنها تدارک ببیند. همچنین، برابری مستلزم تخصیص عادلانه منابع است.

پاسخگویی: پاسخگویی یکی از ملزومات اصلی حکم‌روایی خوب است. در این رابطه، نه تنها نهادهای حکومتی، بلکه نهادهای بخش خصوصی و جامعه مدنی و حتی شهروندان باید نسبت به عموم مردم و جامعه و سایر ذی‌نفعان پاسخگو باشند، وابسته به این امر است که تصمیمات و اقدامات به چه صورتی اتخاذ می‌شوند. به‌طور کلی، یک

۱- Consensus Oriented

۲- Equity and Inclusiveness

سازمان، فرد، گروه، حزب و یا حکومت باید نسبت به افرادی که تصمیمات و یا اقداماتش بر آنها اثر می‌گذارد، پاسخگو باشد. دستیابی به شرایط پاسخگویی در جامعه مستلزم شفافیت و حاکمیت قانون است. شاخص‌های که در سطوح سازمانی برای این بعد از مدل حکمرانی خوب ارایه می‌شود عبارت‌اند از: وجود نهاد و سازمان پاسخگو.

کارآمدی و اثربخشی<sup>۱</sup> براساس این اصل، حکمروایی خوب به این معناست که فرایندها، سازمان‌ها و نهادها نتایجی را به بار آورند که نیازهای جامعه را تأمین کرده و هم‌زمان با آن بهترین استفاده را از منابع به عمل آورند. این امر در واقع به معنای استفاده بهینه و مناسب از منابع به منظور تأمین نیازهای شهروندان، ارائه خدمات مطلوب‌تر و همچنین رضایت مردم می‌باشد. شاخص‌هایی که در سطوح سازمانی برای این بعد از مدل حکمرانی خوب ارایه می‌شود عبارت‌اند از: وجود نیروی کار متخصص، متناسب بودن وظایف سازمان‌ها.

**ج) چارچوب نظری:** با توجه به مباحث مطرح شده در بالا، بسترها و ابزارهای نهادی قاچاق کالا و در نتیجه مبارزه با قاچاق کالا را به دو گروه به شرح زیر می‌توان تقسیم نمود:

- بسترها و ابزارهای قانونی و مقرراتی
- بسترها و ابزارهای سازمانی و تشکیلاتی

هر کدام از این بسترها و ابزارها دارای مؤلفه‌ها و ابعادی هستند که می‌توانند در صورت سطح بالایی از مطلوبیت باعث از بین بردن بسترهای شکل‌گیری قاچاق کالا شوند و در صورت نارسائی زمینه‌های شکل‌گیری قاچاق کالا را گسترش دهند. جدول شماره (۲) چارچوب نظری مقاله حاضر را نشان می‌دهد.



جدول ۲: بسترها و ابزارهای کنترلی قاچاق کالا

مؤلفه	شاخص
بسترها و ابزارهای قانونی و مقرراتی	• شفاف و روشن بودن قوانین و مقررات
	• عدم تعدد قوانین و مقررات
	• عدم تغییرات مکرر قوانین و مقررات
	• داشتن ضمانت اجرایی قوانین و مقررات
	• تناسب داشتن قوانین و مقررات با شرایط موضوعی
	• مشخص بودن قوانین و مقررات مرتبط با وظایف سازمانها
	• اجرای صحیح قوانین و مقررات
	• درک روشن و برداست واحد از قوانین و مقررات
	• الزام قانونی سازمانها و نهادهای مسئول همکاری و هماهنگی باهم
	• همکاری و هماهنگی سازمانهای مسئول با هم
بسترها و ابزارهای سازمانی و تشکیلاتی	• شفاف بودن وظایف سازمانهای مسئول
	• متناسب و گسترده نبودن وظایف سازمانها
	• پاسخگویی سازمانها
	□ وجود طرحها و برنامه مشخص در سازمانها
	• برنامه کاری مشترک بین سازمانها
	• وجود یک پایگاه مشترک و یکپارچه آمار و اطلاعات برای سازمانها
	• برنامه پذیر بودن سازمانها
	• وجود سازوکارهای نظارتی قوی بر سازمانها
	• اشتراک منافع بین سازمانها
	• نیروی انسانی متخصص در سازمانها
• مشارکت دادن بخش خصوصی در تصمیمات سازمانها	
• مشارکت دادن ساکنان محلی در برنامهها و تصمیمات	

### مواد و روشها

با توجه به ماهیت این پژوهش که تحلیل بسترهای نهادی قاچاق کالا می باشد، از روش کیفی استفاده شده است. بنابراین، در راستای شناخت عمیق سازمان اداری قاچاق در کشور و همچنین قوانین و مقررات مرتبط با قاچاق به دو شیوه زیر عمل می شود:

تحلیل محتوای اسناد: یکی از اهداف پژوهش حاضر شناخت و تحلیل قوانین و مقررات مرتبط با بحث قاچاق کالا و ارز و همچنین وظایف و اختیارات نهادها و سازمانهای مختلف کشور در این خصوص است. برای دستیابی به این منظور، ضمن



جمع‌آوری کلیه اسناد، مصوبات و قوانین مرتبط با قاچاق کالا، به تحلیل محتوای این اسناد از منظر قوانین حاکم بر وظایف سازمان‌ها و نهادهای مسئول و مشخص نمودن خلاءهای قانونی در خصوص اختیارات و وظایف سازمان‌ها و همچنین استخراج تضادها و تداخل‌های احتمالی در خصوص اختیارات و وظایف دستگاه‌ها پرداخته شد. علاوه بر آن، استخراج تعارضات و تضادهای موجود در قوانین مربوط به قاچاق کالا و در نهایت، ارزیابی قوانین و مقررات مرتبط با قاچاق بر حسب شاخص‌هایی همچون شفاف بودن قوانین و مقررات، عدم تعدد قوانین و مقررات، تناسب قوانین و مقررات کشور با شرایط محلی و میزان الزام قانونی در زمینه هماهنگی و همکاری نهادها (به عنوان مؤلفه‌های اصلی مبارزه با قاچاق کالا و ارز) از دیگر اهداف تحلیل محتوای اسناد می‌باشد.

پرسشنامه: بخشی از اطلاعات مرتبط با این بخش از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید؛ این پرسشنامه با هدف شناخت نارسائی‌های سازمانی و قانونی و بر اساس شاخص‌های مستخرج از مبانی نظری طرح و در بین نهادهای مرتبط توزیع گردید. در پرسشنامه علاوه بر سؤالات بسته، سؤالات باز نیز جهت اخذ دیدگاه و نظر نهادهای مرتبط در خصوص مسائل نهادی قاچاق کالا طرح گردید. نمونه آماری تحقیق حاضر دربرگیرنده ۲۵ نفر از مدیران و کارشناسان سازمان‌های درگیر با مقوله قاچاق کالا مانند ادارات گمرک، معاونت مبارزه با قاچاق پلیس آگاهی، سازمان تعزیرات حکومتی، اداره اموال تملیکی، راه و ترابری، سازمان صنایع و معادن، سازمان بازرگانی و ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشد. انتخاب این نمونه‌ها به صورت هدفمند بوده و افراد درون سازمان‌ها برحسب ارتباط مستقیمی که با مقوله قاچاق داشته‌اند، انتخاب شدند.

### یافته‌های تحقیق

نتایج این تحقیق در دو بخش ارائه می‌شود: در بخش اول، به صورت مختصر یافته‌های مرتبط با تحلیل محتوای اسناد ارائه می‌گردد و در بخش دوم، نتایج حاصل از پرسشنامه ارائه می‌شود.

الف) یافته‌های به دست آمده از تحلیل محتوای اسناد: تحلیل محتوای اسناد نشان می‌دهد که در خصوص قوانین و مقررات مبارزه با قاچاق کالا، نارسائی‌های زیر قابل استنتاج می‌باشد.



جدول ۳: نارسائی‌های بسترها و ابزارهای قانونی کنترل قاچاق کالا

مؤلفه	شاخص
شفاف نبودن قوانین و مقررات	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مثبتی شدن برخی نهادها در قوانین و مقررات</li> <li>• تدوین قوانین بدون نام بردن از نهاد مسئول و متولی آن</li> <li>• عدم شفافیت و جامعیت در احکام قضایی</li> <li>• عدم وجود تعریفی مشخص از قاچاق کالا</li> <li>• عدم تمرکز کافی بر ایجاد شفافیت در حوزه تجارت داخلی</li> <li>• عدم انسجام در قوانین و مقررات مرتبط با قاچاق کالا و ارز</li> </ul>
عدم یکپارچگی و هماهنگی در قوانین و مقررات	<ul style="list-style-type: none"> <li>• عدم ثبات در قوانین و نسخ قوانین با پایان بودجه‌های سالیانه و یا برنامه‌های ۵ ساله توسعه و یا سیاست ابلاغ شده</li> <li>• تداخل وظایف و مسئولیت‌های قانونی برخی نهادها و سازمان‌ها و ابهام در آن</li> <li>• موازی بودن و یا تشابه در برخی قوانین تعیین‌کننده مسئولیت‌ها</li> <li>• عدم هماهنگی با قوانین موجود در حوزه حمل و نقل</li> </ul>
جامع نبودن قوانین و مقررات	<ul style="list-style-type: none"> <li>• جامعیت نداشتن قوانین مشخص‌کننده وظایف و مسئولیت‌ها</li> <li>• عدم ضمانت اجرایی قوانین و مقررات تعیین‌کننده وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌های متولی</li> <li>• عدم توجه کافی به عاملان اصلی قاچاق کالا و مجازات‌های نامتناسب</li> </ul>
تعدد قوانین و مقررات	<ul style="list-style-type: none"> <li>□ تعدد قوانین و مقررات مشخص‌کننده وظایف و مسئولیت‌ها</li> <li>□ تعدد سازمانی نشأت گرفته از تعدد قوانین و مقررات تعیین‌کننده وظایف و مسئولیت‌ها</li> <li>• تعدد تکرار وظایف و اختیارات سازمان‌ها</li> </ul>

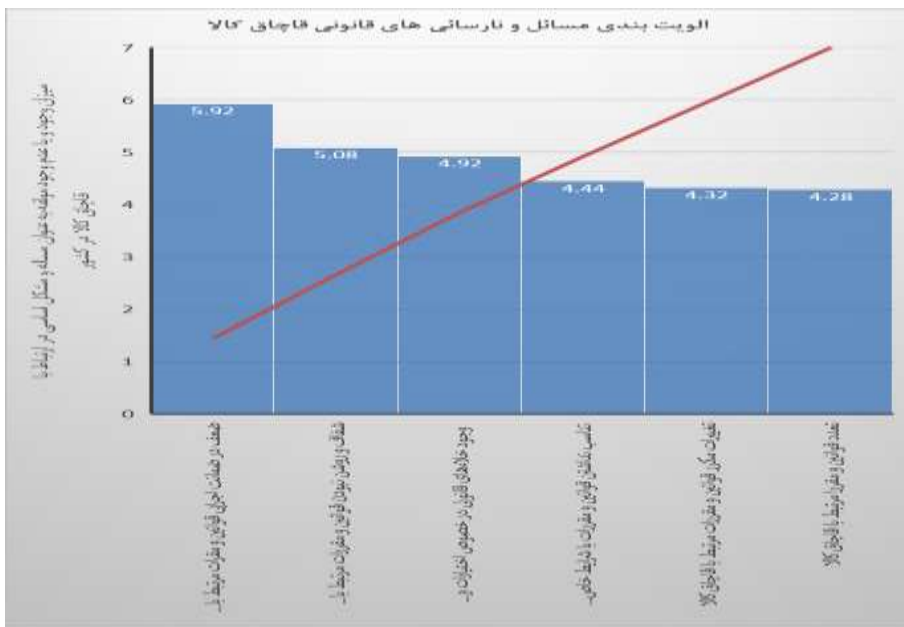
پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال یازدهم، شماره اول (پیاپی چهل و نهم)، بهار ۱۳۹۷

همچنین تحلیل محتوای اسناد مرتبط با وظایف و مأموریت‌های سازمان‌های مبارزه‌کننده با قاچاق کالا نشان می‌دهد که در این زمینه نارسائی‌هایی به صورت کادر زیر قابل استنتاج می‌باشد:

- نارسائی‌های ناشی از ماهیت بخشی و مستقل از هم در مبارزه با قاچاق کالا در کشور
- نارسائی‌های نهادی - سازمانی ناشی از قوانین و مقررات ناظر بر وظایف و مسئولیت‌های نهادها و سازمان‌های مرتبط با قاچاق کالا
- نارسائی‌های ناشی از عدم تعریف جایگاه مشخص برای بخش خصوصی

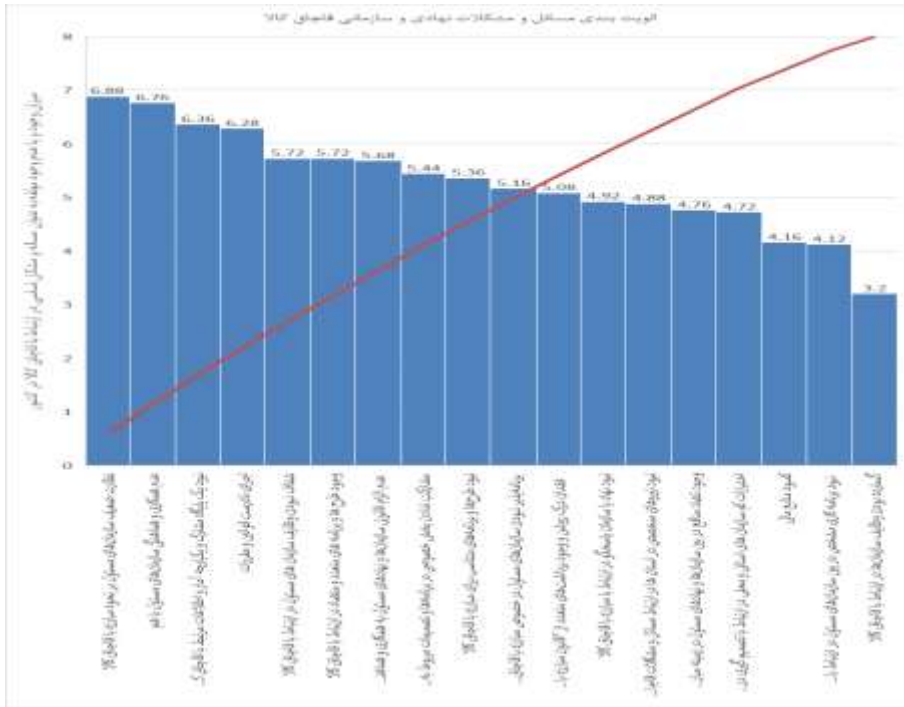
ب) یافته‌های به‌دست آمده از تحلیل پرسشنامه: علاوه بر تحلیل محتوای صورت گرفته، از پرسشنامه نیز به منظور شناسایی مسائل و مشکلات نهادی قاچاق کالا

استفاده گردید. نمودار شماره (۱) اولویت‌بندی مسائل و مشکلات قانونی قاچاق کالا و همچنین نمودار شماره (۲) اولویت‌بندی مسائل سازمانی قاچاق کالا را از دیدگاه پاسخگویان نشان می‌دهد.



نمودار ۱: اولویت‌بندی مسائل و نارسائی های قانونی قاچاق کالا از دید کارشناسان

همچنانکه نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد، بیشتر شاخص‌ها و عواملی که به عنوان عوامل مهم بر شکل‌گیری قاچاق در کشور از نظر نارسائی‌های قانونی مطرح شده‌اند، از دیدگاه مسئولان و کارشناسان نیز به عنوان عوامل تأثیرگذار رتبه‌بندی شده‌اند و به‌ویژه عواملی همچون ضعف در ضمانت اجرایی قوانین و مقررات مرتبط با قاچاق کالا، شفاف و روشن نبودن قوانین و مقررات مرتبط با قاچاق کالا و وجود خلاءهای قانونی در خصوص اختیارات و وظایف سازمان‌های مسئول در زمره عوامل اصلی تأثیرگذار بر مبارزه با قاچاق کالا رتبه‌بندی شده‌اند و عواملی مانند تعدد قوانین و مقررات مرتبط با قاچاق کالا به دلیل وجود قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارزش مصوب ۱۳۹۲ که تا حدودی یکپارچگی در قوانین با نسخ قوانین که سال‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند و تعداد این قوانین هم زیاد بود، در پایین‌ترین قسمت اولویت‌بندی از نظر پاسخگویان قرار گرفته‌اند.



پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال یازدهم، شماره اول (پیاپی چهل و نهم)، بهار ۱۳۹۷

نمودار ۲: الویت بندی مسائل و نارسائی های سازمانی و نهادهای قاجاق کالا از دید کارشناسان

همچنانکه نمودار شماره (۲) نشان می دهد، بیشتر شاخص ها و عواملی که به عنوان عوامل مهم بر شکل گیری قاجاق در کشور مطرح شده اند، از دیدگاه مسئولان و کارشناسان نیز به عنوان عوامل تأثیرگذار رتبه بندی شده اند و به ویژه عواملی همچون نظارت ضعیف سازمان های مسئول بر نحوه مبارزه با قاجاق کالا، عدم همکاری و هماهنگی سازمان های مسئول باهم، نبود پایگاه مشترک و یکپارچه آمار و اطلاعات مرتبط با قاجاق کالا و عدم اجرای درست قوانین و مقررات و سایر عوامل در زمره عوامل اصلی تأثیرگذار بر مبارزه با قاجاق کالا رتبه بندی شده اند. همچنین عواملی همچون گسترده بودن وظایف سازمان ها در ارتباط با قاجاق کالا، نبود برنامه کاری مشخص در بین سازمان های مسئول در ارتباط با قاجاق کالا و کمبود منابع مالی در رتبه بندی پایین ترین میزان وجود این مشکلات در زمینه قاجاق در کشور هستند.

علاوه بر یافته های بالا، یافته های به دست آمده از دسته بندی نتایج کیفی که از سؤالات باز پرسشنامه به دست آمده، نشان می دهد که بسیاری از عوامل رتبه بندی شده

براساس نتایج کمی، در نتایج کیفی نیز به شیوه‌های گوناگون تکرار شده است. از جمله مهم‌ترین این مسائل می‌توان به نبود تعریف جامع و مانع از قاچاق کالا، نقایص و ایرادهای قوانین، ناهماهنگی در تدوین مقررات، وجود خلاءهای گریز قانونی برای قاچاقچیان، ضعف در امکانات نیرویی و تجهیزات، نارسائی‌های موجود در گمرک، سلب اختیار گمرک برای فروش کالاهای ضبط شده قاچاق و... اشاره نمود. جدول شماره (۴) نتایج کیفی مستخرج از پرسشنامه‌ها در ارتباط با مسائل و مشکلات نهادی و سازمانی در مبارزه با قاچاق کالا نشان می‌دهد.

جدول ۴: نتایج کیفی مستخرج از پرسشنامه‌ها در ارتباط با مسائل و مشکلات نهادی و سازمانی در مبارزه با قاچاق کالا

- نبود تعریفی جامع و مانع از قاچاق کالا
- چندپارچگی در تدوین قوانین و مقررات
- وجود خلاءهای گریز قانونی برای قاچاقچیان
- ضعف در امکانات نیرویی و تجهیزات
- نارسائی در سازوکارهای گمرکی
- مشکلات گمرک در مبادی ورودی دریایی و زمینی
- سلب اختیار گمرک برای فروش کالاهای ضبط شده قاچاق
- مسائل و مشکلات مترتب بر تفکیک آزمایشگاه‌های گمرک (واگذاری به سازمان‌های دیگر مانند استاندارد و تحقیقات صنعتی)
- نبود نظارت بر کالاهای ورود موقت و ترانزیتی
- محدود نمودن مبارزه با قاچاقیان خرده‌پا که بیشتر از افسار آسیب‌پذیر جامعه‌اند (توجه نکردن به عاملان اصلی قاچاق کالا)
- تجهیز نبودن نهادهای ذی‌ربط به امکانات لازم
- گستردگی خط مرزی در حاشیه جنوب و وجود خورها و لنگرگاه‌های غیرمجاز و نیز حضور نداشتن نیرو انتظامی در نقطه صفر مرزی
- سازمان‌یافته بودن قاچاق کالا
- نبود نظارت دقیق و مؤثر بر شناورهای نواحی دریایی خلیج فارس و دریای عمان
- ناهماهنگی در آرای صادر شده از دادگاه‌های انقلاب و شعب تعزیرات حکومتی
- ضعف در برخورد نهادها و سازمان‌های قضایی
- ناهماهنگی برخی از دادگاه‌ها یا دوائر اجرای احکام هنگام تقسیط جرایم قاچاق با گمرکات مربوط
- عدم دقت و سرعت در رسیدگی به پرونده‌های جعل اسناد ارائه شده به گمرک برای ترخیص ترانزیت کالا
- وصول جرایم قاچاق رأساً توسط بعضی از دادگاه‌ها و واریز نکردن آن به حساب‌های قانونی
- شفاف نبودن مقررات در خصوص صلاحیت‌های ذاتی مراجع قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده‌های قاچاق
- تقسیط جزای نقدی مورد حکم بدون مبنا و مستند قانونی و بدون هماهنگی با سازمان‌های شاکی و



- وصول کننده عایدات دولت
- متفاوت و متعدد بودن مراجع داوری یا دادرسی (که منجر به صدور آرای مغایر، منبعث از برداشت‌های متفاوتی و تلقی غیرواحد از قوانین و مقررات گردیده است)
  - مقابله نکردن نهادها و سازمان‌های مسئول با نگهداری، توزیع و فروش کالا قاچاق
  - ناهماهنگی دستگاه‌های کاشف
  - ضعف در برخورد تشکیلاتی و منسجم
  - سلامت عمل نیروهای درگیر
  - عدم شفافیت و جامعیت در قوانین کیفری و تقنینی
  - تشتت و پراگندگی در قوانین
  - عدم تطابق قوانین با نیازهای کشور
  - عدم تناسب مجازات جرم و مجازات (بازدارندگی پایین مجازات‌ها)
  - عدم بازدارندگی و کارآیی مجازات‌های نقدی
  - اجازه فروش بخش زیادی از کالاهای مکشوفه قاچاق در بازار داخل کشور
  - واریز درآمدهای حاصل از ضبط قاچاق به خزانه دولت (نگاه به قاچاق کالا به عنوان منبع درآمد دولت)
  - عدم اختصاص بودجه به عملکرد دستگاه‌های دست‌اندرکار مبارزه با قاچاق کالا متناسب با عملکرد آنها
  - اعطای معافیت‌های زیاد تحت عناوین تهنجی، بار همراه مسافر، بازارچه‌های مرزی، سهمیه مرزنشینان، مناطق آزاد و ...
  - تعیین نهادهای غیرمتخصص به عنوان کاشف
  - عدم تمرکز کافی بر ایجاد شفافیت در حوزه تجارت داخلی
  - تعیین مسئولیت‌های متعدد برخی نهادها
  - ناهماهنگی در قوانین موجود در حوزه حمل و نقل

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال پاسخ به دو سؤال زیر بود:

- مهم‌ترین خلاءها و نارسائی‌های قانونی مبارزه با قاچاق کالا کدامند؟
- مهم‌ترین خلاءها و نارسائی‌های سازمانی مبارزه با قاچاق کالا کدامند؟

در پاسخ به سؤال اول باید گفت که ضعف در ضمانت اجرایی قوانین و مقررات مرتبط با قاچاق کالا، شفاف و روشن نبودن قوانین و مقررات مرتبط با قاچاق کالا و وجود خلاءهای قانونی در خصوص اختیارات و وظایف سازمان‌های مسئول در زمره مهم‌ترین خلاءها و نارسائی‌های قانونی مبارزه با قاچاق کالا هستند. بدین‌سان براساس مسائل استنتاج شده از قوانین و مقررات حاکم بر وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌ها و

نهادهای مسئول مبارزه با قاچاق می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که این قوانین نتوانسته‌اند به عنوان بستر ساز برنامه‌ها و اقدامات مداخله‌گرانه در مبارزه با قاچاق عمل نمایند. همچنین اگرچه انتظار می‌رود قوانین بتوانند به عنوان تسهیل‌گر عمل نمایند اما در واقعیت بنا به دلایل فوق چنین مهمی تحقق نیافته است.

در پاسخ به سؤال دوم، می‌توان این‌گونه استدلال و نتیجه‌گیری نمود که تقسیم وظیفه مبارزه با قاچاق کالا بین سازمان‌ها و نهادهای مختلف، فقدان ساز و کار هماهنگ‌سازی بین نهادها و سازمان‌های مسئول مبارزه با قاچاق کالا، مشارکت ندادن جامعه و بخش خصوصی که به نحوی می‌توانند در مبارزه با قاچاق کالا تاثیرگذار باشند، نبود برنامه یکپارچه و هماهنگ در مبارزه با قاچاق کالا، تعیین مسئولیت متعدد برای برخی امور، عدم توجه کافی به تقسیم و امکانات برخی نهادها، تعدد مراجع رسیدگی در طول یکدیگر و برخی موارد دیگر از جمله دلایل اساسی شکل‌گیری مشکلات و مسائل سازمانی برای مبارزه با قاچاق کالا هستند.

در مبارزه با قاچاق کالا عوامل بالا به عنوان یکی از زمینه‌های اصلی شکل‌گیری مسائل و مشکلات قاچاق تاثیرگذار بوده‌اند. در این خصوص می‌توان به تقسیم شدن مبارزه با قاچاق بین سازمان‌ها و نهادهای مختلف اشاره نمود که عدم مدیریت صحیح این تعدد نهادی موجب موازی‌کاری و یا غفلت در نظارت بر قاچاق شود. به عنوان نمونه، در زمینه قاچاق میوه به کشور، وزارت جهاد کشاورزی که مسئول اصلی کشف محصولات قاچاق در نظر گرفته شده از امکانات لازم برای این کار برخوردار نیست و در نتیجه این بخش از قاچاق کالا به کشور بدون متولی مانده است. علاوه بر اینکه واگذاری مسئولیت کشف و پیگیری قاچاق به دستگاه‌های غیر تخصصی بدون آشنایی با قوانین و مقررات مربوط به ترخیص کالا و امر صادرات و واردات دارای مضرات غیرقابل جبرانی است به گونه‌ای که قانون جدید با حذف سازمان شاکی باعث می‌شود روزانه ده‌ها پرونده به عنوان قاچاق توسط سازمان‌های مذکور در ماده ۳۶ این قانون تشکیل و شهروندان زیادی به‌عنوان متهم در مراجع قضایی احضار و سپس به علت عجز از تودیع وثیقه روزانه بازداشتگاه‌ها شوند و در نهایت، به علت عدم احراز قاچاق تبرئه می‌شوند که به علت عدم آشنایی سازمان‌های مذکور در ماده ۳۶ این قانون (به‌غیر از گمرک) به مقررات صادرات و واردات، امکان تعرض به حقوق شهروندان به‌ویژه تجار، واردکنندگان و نیز حمل‌کنندگان کالا در داخل کشور



امری محتمل و حتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در صورتی که برابر قوانین قبلی چنانچه هر یک از سازمان‌های کاشف نظیر ناجا و... کالایی را به ظن قاچاق کشف می‌کردند، تحویل نزدیک‌ترین گمرک می‌دادند و پس از بررسی گمرک چنانچه قاچاق احراز می‌شد، نسبت به تعقیب پرونده و مرتکبان اقدام می‌شد.

در کنار نارسائی‌های بالا، مسأله مهم‌تری که در ارتباط با قاچاق کالا وجود دارد، تعیین مسئولیت متعدد برای برخی امور است. ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، با عنوان «سامانه جامع تجارت» پیش‌بینی کرده که با همکاری دستگاه‌های مربوطه از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و گمرک، مسئولیت تهیه، اجرا و بهره‌برداری از این سامانه جامع و یکپارچه را دارند. عدم تعیین مسئولیت اصلی برای برخی امور در قانون منجر به موازی‌کاری و اصطکاک بین نهادها شده است؛ همچنین عدم توجه کافی به تقسیم امکانات برخی نهادها از جمله وزارت راه و شهرسازی مؤظف گردیده تا با همکاری ستاد و دستگاه‌های اجرایی عضو به ساماندهی و تجهیز و تکمیل اسکله‌ها و خورها و انضباط‌بخشی به تردد و توقف شناورها اقدام نماید؛ در حالی که مدیریت و راهبردی برخی از اسکله‌ها بر حسب مورد بر عهده دستگاه‌های دیگر (وزارت نفت، شیلات و...) قرار دارد. همچنین علی‌رغم نقش اساسی سازمان بنادر و دریانوردی در ورود و خروج کالا و مسافر و نقش مؤثر گارد سازمان یاد شده، نام سازمان یاد شده از فهرست دستگاه‌های کاشف حذف و حتی گارد حفاظت آن تیز منحل شده، در حالی که بخشی از وظایف گارد مذکور بدون متولی باقی مانده است.

به‌طور کلی، مرور اجمالی در زمینه سازوکار مبارزه با قاچاق کالا نشان می‌دهد که، در برخی راهبردها و سیاست‌ها، هماهنگی در فعالیت‌ها و اقدام‌ها وجود ندارد و با توجه به اینکه هر کدام از سازمان‌های درگیر و مرتبط با قاچاق کالا عمدتاً به دنبال پیاده نمودن و به سرانجام رساندن اهداف و برنامه‌های خود هستند، بنابراین اصول اساسی و مشترک برگرفته از تعاریف قاچاق کالا در حال حاضر مبنای دقیق سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در زمینه قاچاق نیست؛ هرچند نسبت به سال‌های قبل وضعیت بهتر شده است.

بنابراین، با توجه به اینکه نقایص و کاستی‌های هر قانونی در مرحله عمل و پس از اجرا به منصف ظهور می‌رسد، پیشنهاد می‌شود حال که حدود سه سال از تصویب قانون جدید و یک سال از اعمال اصلاحات اولیه می‌گذرد و مجریان هم پس از تکمیل تدوین



آیین‌نامه‌های اجرایی قانون در سال ۱۳۹۵ رویکرد بهتری به اجرای قانون داشته‌اند، نواقص و ایرادات ذکر شده در بالا و همچنین ایراداتی که به وسیله مأمورین اجرایی کشف و درک می‌شود، هرچه سریع‌تر موجبات اصلاح قانون را فراهم تا تنقیح واقعی و نهایی قانون به عمل آمده و قانونی یکپارچه، کارآمد و اجرایی تدوین شود. همچنین، اصلاح سیاست‌ها و قوانین گمرکی، وضع قوانین برای تضمین سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و تغییر ممنوعیت‌های وارداتی به نظام تعرفه‌ای، خصوصی‌سازی در بخش مالی و ... باید در راستای کارآمدسازی قوانین صورت گیرد.

همچنین در خصوص نارسائی‌های سازمانی، عامل ساختاری مهمی که کمترین هزینه را دربردارد، ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجراکننده قانون در مقابله با قاچاق کالا می‌باشد چنانچه بین دستگاه‌های مزبور هماهنگی صورت گیرد تا حد زیادی از ورود قاچاق جلوگیری خواهد شد و در عین حال هزینه‌ها افزایش نخواهد یافت، بلکه از پیچیدگی کار کاسته و روابط بین سازمان‌ها را مشخص و طبق برنامه‌ای جامع، مدون می‌کند. همچنین موجب هدف‌گذاری یکسان و مشخص شدن مسئولیت هر یک از ارگان‌ها در مبارزه با قاچاق کالا می‌شود. علاوه بر آن، جمع‌آوری اطلاعات و ایجاد بانک جامع و یکپارچه اطلاعات قاچاق در سطح کشور به مثابه بازوری اطلاعاتی قوی در دست برنامه‌ریزان مبارزه با قاچاق کالا و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تجارت خارجی و تشکیل پنجره واحد برای تجارت که به تجار امکان می‌دهد فقط با مراجعه به یک مرجع و تسلیم مدارک تمامی مجوزهای لازم را اخذ کنند و از طی مراحل مختلف معاف شوند، از جمله راه‌کارهایی است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر آن، واگذاری بخشی از امور تصدی‌گری دولت در حوزه تجارت خارجی به تشکل‌های بخش خصوصی و تشکیل پلس گمرکی (اقتصادی) در حکم واحد مستقل و مجزا می‌تواند به رفع خلاءهای سازمانی کمک نماید.



## منابع

- احدنژاد، محسن؛ قادری، ایوب (۱۳۹۲). «نقش مبادلات مرزی بر توسعه فیزیکی شهرها با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (مورد مطالعه: شهر بانه در مقاطع زمانی ۱۳۹۰ - ۱۳۷۱)»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره هیجدهم، صص ۶۸-۴۷.
- آقازاده، علیرضا (۱۳۸۵). «قاچاق کالا». تهران: نشر آثار اندیشه.
- بافنده‌ایمان‌دوست، صادق (۱۳۹۰). «قاچاق کالا و راه‌های رویارویی با آن». اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره هشتم (پیاپی ۲۸۴)، ص ۲۷۶.
- باقرزاده، احد (۱۳۸۲). «نقش موانع و استراتژی‌های تجاری در پیدایش و کاهش قاچاق کالا». نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره سی و سی و یکم، ص ۶۰.
- حسینیان، شهابت؛ مجیدی، عبدالله؛ مختاررضایی، رجبعلی (۱۳۸۸). «عوامل سازمانی مؤثر بر عملکرد کارکنان مبارزه با قاچاق کالای فرماندهی انتظامی استان هرمزگان». مطالعات مدیریت انتظامی، دوره چهارم، شماره اول، صص ۷۲-۵۲.
- راسخ، محمد (۱۳۸۵). «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون». فصلنامه مجلس و پژوهش، سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، ص ۳۴.
- سبزواری، میترا (۱۳۹۰). «عمده‌ترین علل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پدیده قاچاق». بررسی‌های حقوقی، شماره اول، صص ۱۹۵-۱۶۳.
- عطائی، امید (۱۳۸۹). «مروری بر روند تهیه و تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی». دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهشی‌های مجلس شورای اسلامی.
- الماسی، نجادعلی؛ حبیبی درگاه، بهنام (۱۳۹۰). «بررسی اصول حاکم بر قوانین کارآمد از منظر تحلیل اقتصادی حقوق». حقوق خصوصی، دوره هشتم، شماره دوم (پیاپی ۱۹)، ص ۶.
- مرادی‌قادی، مهرداد (۱۳۹۱). «نقش و نگرش دستگاه قضایی، تعزیرات حکومتی و گمرک راجع به جرایم قاچاق کالا و ارز در سطح عرضه». دوفصلنامه بررسی‌های حقوقی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۹۶-۱۷۱.
- مقدسی، علیرضا (۱۳۸۰). «بررسی ابعاد قاچاق کالا و ارائه راهکارهایی جهت هدایت آن به مسیرهای اقتصاد رسمی کشور». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، رشته مدیریت بازرگانی، تهران، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، دانشکده مدیریت، صص ۱۲۱-۱۲۰.
- نوری، جعفر (۱۳۸۲). «گسترش قاچاق در بستر اقتصاد نابسامان و سیاست جنایی مقابله با آن». نشریه الهیات و حقوق دانشگاه رضوی (آموزه‌های حقوقی)، سال سوم، شماره سوم و چهارم، صص ۱۷۴-۱۴۹.

- وطن‌پور، علیرضا (۱۳۸۷). «قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد ملی». بررسی‌های بازرگانی، شماره بیست و هشتم، ص ۸.
- وکیلان، حسن (۱۳۹۰). «گفتارهایی در قانون و قانونگذاری». (مجموعه مقالات)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۶). «نگاهی به خلاء قانونی و کاستی‌های کاربردی قوانین راجع به قاچاق کالا و ارز». تحقیقات حقوقی آزاد، شماره اول، صص ۲۱-۱.
- Evans, B., Marko J., Sundback, S., and Theobald, K. (2005). *Governing sustainable cities*, Earthscan, London, P. 12.
- Schneider, Friedrich. (2005). *Shadow Economies around the World: What Do We Really Know?* *European Journal of Political Economy*, Vol. 21, PP. 598-642.
- [www.unescape.org](http://www.unescape.org)

*Archive of SID*